

نقش زمان در علاج تعارض اخبار

سید احمد حسینی

رشته تحریر درآوردند. ابوالعباس نجاشی در کتاب رجال، مبحث تعادل و تراجیح و تعارض اخبار را جزء اولین و مهمترین مباحث علم اصول فقه می‌داند که به طور مستقل به

رشته تحریر درآمده است.^۱

حقیقت تعارض

تعارض خواه میان ادله باشد یا مدالیل، از جهت حجیت و دلالت باشد یا از حیث کاشفیت و دلالت، بالذات باشد یا بالعرض، به ایجاب و سلب باشد یا به تضاد، در حقیقت عبارت است از تناقض. زیرا تعارض به تضاد نیز با دقت و تأمل، چنانکه محقق آشتیانی گفته است،^۲ بازگشت به تناقض می‌کند.

شرایط معتبر در تحقق تناقض

چنانکه در منطق و فلسفه مبرهن شده، در تحقق تناقض شرایطی معتبر است که عبارتند از وحدتهای معروف هشت یا نه یا ده‌گانه، به گونه‌ای که اگر به یکی از وحدتها اخلال وارد شود، تناقض صادق نخواهد بود و حکم متناقضان که عبارت است از استحاله اجتماع و ارتفاع، ثابت نخواهد بود. و از

یکی از مسائل مهم و سابقه‌دار

در علم اصول فقه، بحث از

حلّ و علاج تعارض

اخبار، یعنی مسأله

تعادل و تراجیح است. در میان دهها و بلکه صدها قاعده و مسأله اصولی شاید کمتر مبحثی باشد که از نظر تاریخ نگارش به قدمت مسأله تعادل و تراجیح و از جهت تأثیر در اجتهاد به اهمیت و مکانت آن برسد. از این روست که از همان صدر اسلام، حتی در عصر زندگانی ائمه (ع) اصحاب مبرز آنان با الهام‌گیری از احادیثشان اقدام به تألیف کتابهایی در این باره و کتابهای اختلاف الحدیث، یعنی تعادل و تراجیح کردند. از این نمونه است آنچه یونس بن عبدالرحمن و محمد بن ابی عمیر به عنوان کتاب اختلاف الحدیث و مسائله و کتاب اختلاف الحدیث به

آنجا که تعارض، در حقیقت همان تناقض است، در تحقق آن نیز تمام شرایط تناقض معتبر بوده و هریک از آنها مفقود شود، تعارض صدق نخواهد کرد.

عصمت آن بزرگواران، و اثبات اینکه آنان در بیان احکام از رأی و نظر شخصی خویش مایه نمی گیرند و آنچه بیان می کنند، با الهام از غیب و استفاده از قرآن و احادیث صحیح

صیانت روایات از تعارض با اعتقاد به عصمت حجج الهی، صدور سخن متناقض از آن بزرگان امری است قبیح و مستحیل. بنابراین آنچه از اختلاف و تعارض و تضاد در اخبار ائمه (ع) به چشم می خورد، امری است ظاهری که با دقت و تفکر رفع و حل می شود و به حسب واقع هیچ تعارض و تناقضی در اخبار وجود ندارد. براساس همین باور است که بزرگانی مانند شیخ صدوق، شیخ مفید و فیض کاشانی تصریح کرده اند که در اخبار ائمه (ع) تناقض (تعارض) راه ندارد.

رسول اکرم (ص) است. و لذا نه از سخنان یک امام و نه در مقایسه با سخنان امامی دیگر، هیچ تعارض و اختلاف واقعی وجود ندارد.

ب: دفع شبهات مخالفان دین و حفظ و تقویت عقاید دینی مردم. زیرا، چنانکه مرحوم کلینی در دیباچه کافی در مقام بیان انگیزه جمع آوری این کتاب و نیز شیخ طوسی در مقدمه تهذیب و استبصار و در موارد جمع بین روایات تصریح کرده اند وجود اختلاف و تعارض ظاهری در روایات شیعه دستاویزی برای مخالفان و عاملی برای تزلزل در عقیده بعضی از افراد کم اطلاع شیعه شده بود و برای اینکه مکتب از شناخت دشمنان و دوستان ظاهراندیش در امان بماند، به گردآوری این مجموعه های پربها از معارف آل البیت (ع) همت گماشتند.

ج: صحت اجتهاد و تمامیت مقدمات استنباط صحیح احکام الهی از روایات چنانکه بزرگان علم اصول فقه تصریح

اهمیت حل تعارض

طرح مسأله تعادل و تراجیح و پرداختن به حل تعارض اخبار از سه جهت دارای اهمیتی بسزاست.

الف: صیانت ساحت و حریم مقدس ائمه (ع) از اتهام تناقض گوئی و حفظ روایات از اختلاف و تعارض به اقتضای اعتقاد به

کرده‌اند، صحت و تمامیت استنباط حکم الهی از روایات متوقف بر دو جهت اساسی است: ۳

۱. جهت اثباتی که متکفل بحث‌های طولانی و مفصل حجیت خبر واحد، حجیت اصالة الظهور، اصالة الحقیقة، اصالة الجدد و مانند آن است.

۲. جهت سلبی که عهده دار مبحث عمیق و دقیق تعادل و تراجیح است و حل تعارض جزء اخیر علت تامه اجتهاد است.

یعنی اگر مقدماتی مانند اصل صدور، اصل ظهور، جهت صدور، اراده ظهور و حجیت ظهور به اثبات برسد، اما روایت قطعی الصدور و قطعی الدلاله مبتلا به معارض باشد، تا تعارض حل نشود، حجّت بر حکم شرعی تمام نیست. و اگر مثال شیخ اعظم حل تعارض را جزء مقدمات اجتهاد به شمار نیاورده‌اند، جهتش آن است که درصدد حصر و استقصای مقدمات اجتهاد نبودند، وگرنه شرطیت و دخالت آن به عنوان جزء اخیر علت اجتهاد، تشکیک و انکارناپذیر است؛ چنانکه محقق آشتیانی در بحرالفوائد بر این مطالب تصریح کرده است. ۴

منشأ پیدایش اختلاف در اخبار از آنجا که حل تعارض اخبار در گرو شناخت عوامل پیدایش آن است، بحث از علل پیدایش اختلاف در اخبار امری لازم بوده و شایسته است در مبحث تعادل و تراجیح بایی برای این بحث باز شود که جای این بحث در کتابهای متداول اصول فقه خالی است. شهید صدر فصل مستقلی را به این بحث اختصاص داده و آنگاه به هشت عامل مهم که در پیدایش تعارض اخبار دخالت دارند، اشاره کرده است. ۵

محمدتقی حکیم پس از نقل سخن ابن رشد در بیان اسباب پیدایش اختلاف در اخبار و نقد و رد آن، خود تحقیقی در این باره دارد که قابل ملاحظه است.

امام خمینی - قدس سره - در اشاره به علت پیدایش اختلاف در اخبار، بیان بسیار قابل توجه و دقیقی دارند و می‌فرمایند در محیط تشریح و قانونگذاری اختلاف امری است ضروری و اجتناب‌ناپذیر.

فی انه لابد من فرض التعارض فی محیط التشریح فلا بد فی تشخیص الخبرین المتعارضین والحديثین المختلفین فرض الکلام فی محیط التشریح والتقنین ۶

این سخن بسیار حکیمانه و عالمانه است. اگر تشریح و قانونگذاری برای اداره زندگی فردی و اجتماعی بشر است، و اگر نیازمندها و مقتضیات زندگی انسان به اختلاف زمانها و شرایط و مصالح و مفاصد، مختلف می شود، بنابراین، اختلاف قانون امری است اجتناب ناپذیر. البته پرواضح است که کدام بخش از احتیاجات مشمول دگرگونی است و معنای اختلاف در قانون هم روشن است.

به هر حال چنانکه از روایات و سخنان علما در علم درایة و اصول فقه و همچنین از خلال کتابهای فقهی استفاده می شود، پیدایش تعارض اخبار، معلول عوامل مختلفی بود که بررسی آن نیازمند بحث مستقلی است، ولی بی تردید یکی از اسباب اختلاف و تعارض در اخبار، اختلاف زمانها و شرایط و مقتضیات زمانی است.

راههای حل تعارض

علمای اصول در مقام حل تعارض اخبار از روشهای گوناگونی مانند ورود، حکومت، تخصیص، تخصص، ترجیح و جمع عرفی و مانند آن استفاده کرده اند. هدف اصلی این نوشتار بیان این است که سه راه حل دیگر نیز برای علاج تعارض وجود دارد که در برخی

موارد شاید نسبت به روشهای معروف، عرفیتر و کم اشکالتر باشد:

الف: توجه به شرایط و مقتضیات زمان و در نظر گرفتن محیط صدور روایات.

ب: دقت نسبت به اختلاف مکان روایات و یا مکان راوی که از امام سؤال کرده است.

ج: تفکیک احکام کلی شرعی که ثابت، مستمر و غیر قابل تغییرند،

از احکام حکومتی که از اختیارات حاکم به شمار می آیند و بنا به اقتضای مصالح و مفاصد اجتماعی شکل می گیرند و با تحول اوضاع و شرایط تغییر می کنند.

اگرچه در کتابهای معمول علم اصول فقه، این روشها به طور مستقل مطرح نشده است، اما در لابه لای بحثهای اصولی و فقهی و نیز از سوی علمای معاصر، بخصوص امام خمینی، شهید صدر و شهید مطهری - رضوان الله تعالی علیهم - این گونه راهها مورد بحث و تحقیق واقع شده است.^۷

اینک به برخی از موارد که دانشمندان در مباحث اصولی و فقهی برای حل تعارض و اختلاف میان اخبار از عنصر زمان و مکان و تفکیک احکام الهی از احکام حکومتی استفاده کرده اند و یا حداقل این راه حل را مطرح کرده اند، می پردازیم.

نقش زمان در حل تعارض اخبار علاجیه بحث را با علاج تعارض اخبار علاجیه آغاز می‌کنیم. در مورد حکم تعارض دو یا بیشتر از دو خبر که از جمیع جهات با هم متساوی باشند در میان محققان علم اصول نظریات مختلفی وجود دارد. آن گونه که از بدائع الافکار محقق رشتی و فصول محقق اصفهانی و دیگر کتابهای مبسوط اصولی استفاده می‌شود، در این مسأله افزون بر ده نظریه موجود است؛ مانند: تساقط، تخییر، توقف و ترجیح.

چنانکه مرحوم آخوند و محقق رشتی و دیگران تصریح کرده‌اند این اختلاف انظار معلول اختلاف اخبار است: «ولاجل اختلاف الأخبار اختلفت الانظار»^۸

یعنی اخبار علاجیه که به منظور رفع اختلاف و حل تعارض اخبار متعارض و به عنوان هیئت صلح وارد صحنه داوری شده‌اند، خود دچار سختترین و پیچیده‌ترین نوع تعارض می‌باشند. از این رو قبل از هر چیز باید خود این اخبار علاج شوند تا به کمک آنها به رفع تعارض بقیه اخبار پرداخت و پرواضح است که در حل اختلاف تعارض از خود آنها نمی‌شود کمک گرفت و الا دور و توقف الشيء علی نفسه لازم می‌آید.^۹

حل تعارض اخبار علاجیه خود نیازمند بحث مستقل و مقاله جداگانه‌ای است. اما به مقداری که در روشن شدن بحث ما - یعنی نقش زمان در حل تعارض - مؤثر است، آن را مطرح می‌کنیم.

حل تعارض اخبار تخییر با اخبار توقف در میان اخبار علاجیه که بالغ بر چهل روایت است،^{۱۰} یک دسته دلالت دارند که وظیفه در مورد تعارض دو خبر، تخییر است. عدد این گونه روایات به شش می‌رسد^{۱۱} که به عنوان نمونه روایت حسن بن جهم از امام رضا(ع) را نقل می‌کنیم.

«قلتُ یجیئنا الرجلان وکلاهما ثقة، بحديثین مختلفین لانعلم ایهما الحق. قال علیه السلام: اذا لم تعلم فموسّع علیک بایهما اخذت.»

در برابر اخبار تخییر، دسته دیگری از روایات دلالت بر توقف دارند؛ مانند روایت سماعة بن مهران.

«قال: سألت ابا عبد الله - علیه السلام - قلت: یرد علینا حدیثان واحد یا امرنا بالاخذ به والآخر ینهاننا عنه.»

قال: لاتعمل بواحد منهما حتی تلقی

صاحبک فتسأله عنه

قال: قلت: لا بد ان نعمل باحدهما؟

قال: خذ بما فيه خلاف العامه. «۱۲»

بنابراین میان این دو دسته از روایات تعارض برقرار است. در رفع تعارض این اخبار وجوهی ذکر شده است و بر هر یک از آن وجوه ایراد و اشکال شده است. یکی از این راه حلها که مشهور است این است که اخبار توقف را بر زمان حضور و امکان دسترسی به امام (ع) و اخبار تخییر بر زمان غیبت و عدم امکان وصول به امام حمل شده است.

محقق رشتی پس از اشاره به آرا و نظریات مختلف در چگونگی حل تعارض این اخبار ضمن تحقیقی که به عمل آورده است، همین وجه جمع و راه حل را اختیار کرده و می نویسد:

«وکیف کان. فقد قيل ان هذه الجموع لا شاهد لها سوى الجمع المشهور - وهو حمل اخبار التوقف على زمان التمکن من الوصول الى الامام عليه السلام وحمل اخبار التخییر على زمان عدمه. بشهادة بعض الاخبار عليه. «۱۳»

راه حل فوق یعنی علاج تعارض اخبار تخییر و توقف با استفاده از عنصر زمان،

چنان که محقق رشتی تصریح کردند، مورد قبول مشهور علماست و شیخ احمد طبرسی صاحب احتجاج نیز همین وجه جمع را پذیرفته است. «۱۴» محدث خبیر علامه مجلسی پس از نقل سخن احتجاج، آن را روشترین و بهترین راه حل دانسته و خود نیز آن را تقویت و اختیار کرده است. «۱۵»

همچنین شیخ انصاری ضمن پذیرش حجیت اخبار تخییر و توقف، در مقام حل تعارض آنها از همین روش یعنی عنصر زمان بهره جسته است و در چندین جای رسائل به آن تصریح می کند؛ یعنی اخبار توقف را بر زمان حضور و اخبار تخییر را بر زمان غیبت حمل می کند.

«واما اخبار التوقف الدالة على الوجه الثالث. فهي محمولة على صورة التمکن من الوصول الى الامام عليه السلام كما يظهر من بعضها» «۱۶»

در جای دیگر می نویسد:

«واخبار التوقف على ماعرفت وستعرف محمولة على صورة التمکن من العلم. «۱۷»

ایشان در پایان مبحث تعادل و تراجیح نیز به این وجه جمع تصریح می کند. «۱۸» مرحوم میرزای نائینی پس از تقسیم

اخبار تخییر و توقف به سه یا چهار دسته، به همین روش برای حل تعارض این اخبار تصریح می‌کند.^{۱۹} اگرچه در حاشیه این بحث شبهه و اشکالی را مطرح کرده است اما چون نقل و نقد آن موجب اطاله کلام و خارج از غرض مقاله است از طرح آن خودداری می‌کنیم. به هر حال، نتیجه بحث این است که اساطین فقه و اصول و حدیث روشترین و معروفترین روش حل تعارض این اخبار را استفاده از عنصر زمان می‌دانند.

رفع تعارض اخبار تخییر

با اخبار ترجیح

یک دسته از اخبار علاجیه دلالت دارند که وظیفه در مورد تعارض اخبار، ترجیح و اخذ ذی‌المرجح است؛ مانند مقبوله عمر بن حنظله و مرفوعه زرارة که به تعبیر مرحوم آخوند در کفایه جامعترین روایات است از لحاظ بیان مزایا و مرجحات، در حالی که مفاد دسته دیگر از اخبار علاجیه - چنانکه بیان کردیم - تخییر است؛ یعنی یک دسته از اخبار علاجیه دلالت دارند بر این که وظیفه در مورد تعارض، تخییر است خواه یکی از دو خبر متعارض مزیت و مرجحی داشته باشد یا نداشته باشد. و دسته دیگر از اخبار علاجیه

دلالت دارند بر این که با وجود مزیت و مرجح وظیفه ترجیح است نه تخییر. بنابراین میان این دسته از اخبار علاجیه نیز تعارض ثابت می‌شود. در علاج تعارض این دو دسته از اخبار علاجیه نیز وجوهی ذکر شده است؛ مانند تقدیم اخبار ترجیح بر اخبار تخییر به خاطر اعتضاد به شهرت و مانند آن که این بیان در واقع ناتمام و مستلزم دور است.

و اما محققانی همچون مرحوم آخوند^{۲۰} و محقق اصفهانی^{۲۱} برای علاج تعارض از عنصر زمان استفاده کرده‌اند. با این تفاوت که مرحوم آخوند اخبار ترجیح را بر زمان حضور و اخبار تخییر را بر زمان غیبت حمل کرده است. و محقق اصفهانی به عکس، یعنی اخبار تخییر را بر زمان حضور و اخبار ترجیح را بر عصر غیبت حمل کرده است. اما بیان شیخ اعظم در رفع تعارض این اخبار، خالی از اشکال دور نیست و چون نقل و نقد آن خارج از غرض این نوشتار است، از پرداختن به آن صرف نظر می‌شود.

رفع تعارض اخبار ترجیح

دسته‌ای از اخبار علاجیه که دلالت دارند وظیفه در مورد تعارض اخبار، عمل به روایتی است که دارای مزیت و مرجح است،

خود مبتلا به نوعی تعارضند؛ مثلاً بعضی از این اخبار، مانند مقبوله ابن حنظله، دلالت دارند که باید خبر موافق با کتاب، مخالف با عامه و مجمع علیه را مقدم داشت بدون توجه به تقدم و تاخر زمان صدور، در حالی که بعضی از روایات ترجیح دلالت دارند بر این که وظیفه، عمل به خبری است که از حیث زمان صدور متأخر باشد خواه موافق کتاب، مخالف عامه، و مجمع علیه باشد یا نباشد. بنابراین، تعارضی آشکار میان آنها برقرار است.

در مقام رفع تعارض این اخبار نیز وجوهی ذکر شده است که بسیاری از آن وجوه مبتلا به اشکال دور و مانند آن است. به همین جهت محقق اصفهانی در وجه جمع و حل تعارض آنها اظهار می کند. اخبار ترجیح به احداث مخصوص زمان حضور و ظهور است و اخبار ترجیح به بقیه مرجحات مختص به عصر غیبت،^{۲۲} آیت الله خوئی (قده) نیز همین وجه جمع را تقویت فرموده اند.^{۲۳} از بیان شیخ صدوق نیز اختیار همین وجه استفاده می شود،^{۲۴} اگرچه بعضی از اساتید بزرگوار ما این وجه جمع را مورد نقد و رد قرار داده و اخبار اخذ به احداث را مخالف مشهور داشته اند که این

بیان مستلزم دور است و مجال طرح آن نیست.

جناب علامه شعرانی در وجه جمع بین این اخبار چنین احتمال داده اند که ممکن و محتمل است حدیث اخذ به احداث مربوط به اوامر متعلق به احکام حکومتی باشد که به حسب اختلاف زمانها مختلف و متغیر می شود.^{۲۵}

رفع تعارض مقبوله ابن حنظله با مرفوعه زرارة مقبوله عمر بن حنظله که خود یکی از اخبار علاجیه است دلالت دارد بر این که در مورد تعارض اخبار باید ترجیح به صفات راوی، مانند: اعدلیت، اوثقیت، اصدقیت و اورعیت را بر ترجیح به شهرت

مقدم داشت. و مرفوعه زرارة دلالت دارد بر مقدم داشتن ترجیح به شهرت بر ترجیح به صفات و در صورت تساوی دو روایت متعارض از جهت شهرت، نوبت به ترجیح به صفات می رسد. بنابراین، مفاد مقبوله ترجیح به صفات است، خواه یکی مشهور باشد یا نباشد و

مدلول مرفوعه ترجیح به شهرت است خواه از حیث صفات مساوی باشند یا نباشند. در نتیجه اگر مرفوعه حجت باشد تعارض ثابت می شود.

برای حل این تعارض وجوهی ذکر شده است. شیخ اعظم می فرماید: ممکن است گفته شود که مقبوله بر مرفوعه مقدم است به دلالت خود مرفوعه. اما این بیان ناتمام است؛ زیرا اولاً علاج تعارض اخبار علاجیه با خود اخبار علاجیه، مستلزم دور است و محال. ثانیاً ترجیح مقبوله بر مرفوعه به مقتضای خود مرفوعه مستلزم آن است که از عمل به مرفوعه لازم آید عدم عمل به آن؛ یعنی لازم می آید از وجود آن، عدمش که آن نیز محال است. و ظاهراً ایشان مطفتن اشکالات بوده و آنها را صرفاً به عنوان احتمال مطرح کرده است. ۲۶

صاحب حدائق بر اساس مبنایی که برگزیده است، می گوید: اگر بپذیریم که مرفوعه حجت است و با اخبار ترجیح به صفات تعارض می کند، رفع این تعارض به این است که اخبار ترجیح به صفات را بر عهد ائمه (ع) و زمان قبل از تصفیه و پاکسازی روایات از اکازیب و مجعولات حمل کنیم و اخبار ترجیح به مشهور موافق کتاب و

مخالف عامه را بر زمان متأخر از صاحبان جوامع روایی؛ زیرا رجوع به مرجحات سندی و ترجیح به صفات، برای بازشناسی اخبار دروغ از راست و جعلی از واقعی است و این مرجحات سندی در زمانی کاربرد داشتند که اخبار و روایات آمیخته با جعلیات بودند، اما پس از تصفیه و پاکسازی روایات توسط صاحبان جوامع روایی و اصحاب ائمه (ع) آنچه محتمل است تقیه است که با رجوع به سایر مرجحات، مانند موافق کتاب، مخالف عامه، مشهور و مجمع علیه حل می شود. ۲۷

بنابراین ایشان با تکیه بر عنصر زمان این تعارض را حل و برطرف کرده است. در پایان این بحث تذکر این نکته لازم است که با نظر به اینکه تعارض در میان بیش از دو دسته از اخبار علاجیه وجود دارد، بحث کامل آن در گرو طرح مسأله انقلاب نسبت است که از موضوع بحث ما خارج است.

نقش زمان در رفع تعارض اخبار تحلیل خمس

در میان روایات مربوط به خمس دو دسته اخبار متعارض وجود دارد که بعضی دلالت دارند بر اینکه ائمه (ع) شیعه را از

پرداخت خمس معاف کرده اند؛ مانند صحیحہ فضلاء از امام باقر(ع):

«قال: قال امير المؤمنين علي بن ابي طالب: هلك الناس في بطونهم وفروجهم لانهم ليؤدوا الينا حقنا الا وان شيعتنا من ذلك وآبائهم في حل»^{۲۸}

و مانند روایت ابی خدیجه از امام صادق(ع) که در جواب شخصی که تقاضای بخشودگی خمس را کرده بود، فرمود:

«هذا لشيعةنا حلال - الشاهد منهم والغائب والميت منهم والحى ومايولد منهم الى يوم القيامة فهو لهم حلال»^{۲۹}

بنابراین، مفاد این دسته از روایات تحلیل و بخشودگی خمس است از ناحیه ائمه(ع) برای شیعه. در برابر اخبار یاد شده دسته ای دیگر از روایات دلالت دارند بر عدم تحلیل و لزوم پرداخت خمس مانند روایت محمد بن زید طبری از امام رضا(ع) که در پاسخ یکی از تجار فارس مبنی بر تقاضای بخشودگی خمس، فرمود:

«ان الخمس عوننا على ديننا وعلى عيالنا وعلى موالينا وما نبذله ونشتري من اعراضنا ممن نخاف سطوته. فلا تزوهه عتاً»^{۳۰}

و مانند روایت دیگری که محمد بن زید

از امام رضا(ع) در جواب گروهی از خراسانیها که تقاضای معافیت از خمس داشتند، فرمود:

«لانجعل، لانجعل، لانجعل لاحد منكم في حل»^{۳۱}

با نظر به اینکه هر دو دسته اخبار از جهت سند و دلالت، حجت و معتبرند، قهراً تعارض به وجود می آید و لذا اکثر فقها پس از قبول تعارض در صدد علاج آن برآمده اند و برای حل آن وجوهی ذکر کرده اند که چون نقل و نقد آنها خارج از هدف این نوشتار است، فقط به وجوهی که در راستای غرض ماست، اشاره می شود.

شاید اولین کسی که این تعارض را با دخالت دادن عنصر زمان حل کرده است، ابن جنید باشد که چکیده بیان ایشان این است: اولاً اخبار تحلیل مخصوص به زمان امامی است که حکم به اباحه کرده است ثانیاً تحلیل منحصرأ به سهم امام(ع) است نه کل خمس.

بر نظریه ابن جنید اشکالهایی وارد است؛ از جمله از سوی جناب سید صاحب ریاض که پس از نقض و ابرامهای متعدد، سرانجام می پذیرند که یکی از وجوه جمع بین این اخبار، حمل اخبار تحلیل بر زمان

خاص و شرایط مخصوص است.

و اما فقیهانی مانند محقق سبزواری، صاحب جواهر و آیه‌الله میلانی اگرچه بر وجه جمع ابن جنید و سید ریاض به لحاظ اینکه جمع عرفی نیست و شاهد جمع ندارد، ایراد گرفته‌اند و لکن اصل نقش زمان را در اختلاف اخبار و احکام و در نتیجه، تأثیر آن را در حل تعارض در جایی که شاهد جمع داشته باشد، پذیرفته و به آن عمل کرده‌اند. اینک برای نمونه به چند مورد از نظریات آنان اشاره می‌کنیم.

نظریه محقق سبزواری در مورد نقش زمان در مسأله خمس دسته‌ای از روایات بر سهیم بودن سادات با امام در خمس دلالت دارد. و دسته‌ای دیگر دلالت دارند بر این که کل خمس ملک امام بوده و سادات مصرف خمس به شمار می‌آیند. در نتیجه بین این دو دسته اخبار تعارض به وجود آمده است.

محقق سبزواری در مقام حمل این تعارض، اخبار اشتراك سادات با امام را بر زمان حضور حمل می‌کند، آنگاه در مقام استدلال بر این وجه جمع می‌نویسد:

«فیجوز اختلاف الحكم بحسب

الازمان.»^{۳۲}

نظریه صاحب جواهر در مورد نقش زمان صاحب جواهر در مواردی به تأثیر و نقش زمان و شرایط و مقتضیات زمانی در اختلاف و تغییر احکام، از جمله حل تعارض تصریح کرده‌اند؛ مثلاً در باب حکم غنایم جنگی بعضی از اخبار دلالت دارند بر این که غنایم به دست آمده بدون اذن امام (ع) تماماً ملک امام (ع) است در حالی که مفاد بعضی از اخبار دیگر این است که پس از پرداخت خمس، بقیه مال خود جنگ جویان است. ایشان در مقام حل تعارض این دو نوع اخبار می‌نویسد: باید روایت حلبی را که بر تحلیل غنایم پس از ادای خمس دلالت می‌کند، بر شرایط خاص حمل کرد و گفت که حکم آن نسبت به خصوص این مورد پس که از نوع قضیه فی واقعه خواهد بود و حکمی ولایی است و مربوط به زمان و شخص خاص نه یک حکم کلی و الهی.^{۳۳}

همچنین ایشان در باب تحلیل مناکح، مساکن، و متاجر پس از آنکه می‌گوید: این سه مورد همانند غنایم جنگی که بدون اذن امام (ع) به دست آمده باشد، برای شیعه اباحه شده است و پرداخت خمس آن لازم نیست. آنگاه روایت حلبی را که دلالت دارد بر لزوم پرداخت خمس غنیمت، نقل می‌کند و ضمن

اشاره به تعارض آن با روایات دیگر، در مقام حلّ تعارض می نویسد:

«لکن قدیراد به بالنسبة الی خصوص ذلك الوقت من زمان ذلك الامام لازمان غیره ولو زمان الغیبة.»^{۳۴}

ایشان در مورد اخباری که بر لزوم پرداخت خمس ارباح مکاسب دلالت دارند با اخباری که دلالت بر بخشودگی آن دارند، بر فرض ثبوت تعارض، چندین جواب می دهند. یکی این که اخبار تحلیل، بر اباحه آن امام(ع) در همان زمان حمل شود.

«او یحمل هو ونظیره علی ارادة التحلیل فی خصوص ذلك الامام فی خصوص ذلك الزمان.»^{۳۵}

در هر حال، اصل نقش زمان در اختلاف و تغییر احکام و نیز تأثیر آن در حلّ تعارض اخبار در کلمات بسیاری از علما مطرح و فی الجملة مورد قبول و تصدیق است، اگرچه در صغریات این قضیه که در کجا اختلاف زمان در حل تعارض اخبار کارساز است و کجا بی تأثیر است، اختلاف نظر وجود دارد. فقهای معاصر ضمن بحث و تحقیق درباره اخبار تحلیل، در حل تعارض آنها از عنصر زمان بهره جسته اند و بر

استفاده و به کارگیری این عنصر در اجتهاد توجه داده اند.^{۳۶}

نقش زمان در رفع تعارض اخبار مربوط به ابواب مختلف فقه

۱- روایات در مورد بیرون بردن گوشت قربانی از منی متعارضند.

۲- روایات در مورد جواز یا ممنوعیت خرید و فروش بعضی از اشیاء روایات متعارضند.

۳- اخبار در مورد ثواب و فضیلت زیارت حضرت سیدالشهداء و دیگر ائمه(ع) مختلفند؛ یعنی بعضی دلالت بر افضلیت زیارت امام حسین(ع) دارند بعضی بر افضلیت زیارت امام رضا(ع)، بعضی دلالت بر وجوب زیارت سیدالشهداء(ع) دارند و بعضی بر استحباب آن و بعضی نیز دلالت می کنند بر اینکه هر چند در سفر زیارت حضرت سیدالشهداء(ع) احتمال بلکه ظن و علم به ضرر و زیان جانی یا مالی باشد، سفر جایز بلکه مستحب و واجب است.

۴- اخبار در باب جواز یا ممنوعیت تسمیه حضرت حجت(ع) مختلفند.

۵- اخبار در باب ستایش و نکوهش

شهرها، ملتها، میوه‌ها و ... ، متعارض و مختلفند .

۶- اخبار در مورد کراهت و عدم کراهت پوشیدن بعضی از لباسها با دوخت و رنگ خاص مختلفند .

۷- روایات در مسأله کنترل موالید، دچار تعارضند .

در غیر از موارد یادشده مباحث فقهی زیادی هست که در بیان حکم آن اخبار مبتلا به اختلافی و متعارضند و ظاهراً یکی از بهترین، و عرفی‌ترین روشهای حل تعارض و جمع بین اخبار، توجه به زمان و مقتضیات زمان است که بررسی و تفصیل آن از حوصله این مقاله خارج است .

نقش تفکیک احکام حکومتی

از احکام الهی در رفع تعارض بازشناسی و جداسازی احکام ولایی و حکومتی از احکام کلی الهی در فهم دقیق و استنباط صحیح از روایات اهمیت و نقش بسزایی دارد . در بسیاری از موارد پیامبر(ص) یا امام(ع) به لحاظ شأن ولایی و حکومتی نه از جهت منصب تبلیغی یا قضایی، حکمی را صادر فرموده‌اند و در مورد دیگر از خود ایشان حکمی برخلاف آن

نقل شده است و علما در مقام حل این تعارض ظاهری وجوهی را ذکر کرده‌اند که بعضاً جمع تبرعی، و برخی مبتلا به اشکال است درحالی که با توجه به این نکته و پذیرش این مبنا که در میان اخبار متضمن احکام، بعضی حکومتی است و احکام حکومتی در حوزه اختیارات و صلاحدید حاکم اسلامی و دائر مدار شرایط و مقتضیات خاص زمان، مکان و مانند آن بوده و با تغییر اوضاع و شرایط تغییر می‌کند، فهم این اخبار و سر اختلاف آنها و علاج تعارض آنها بسیار آسان، مطابق با فهم و برداشت عرفی و به دور از تکلفات فنی خواهد بود .

همچنین با توجه به این نکته، در وجه جمع بسیاری از اخبار متعارض، مانند روایات مربوط به احکام احیای موات و اخبار اباحه و یا مطالبه خمس، تنها به سراغ مرجحات سندی، دلالتی و مانند آن و سپس حکم به تساقط و رجوع به اصول عملیه یا تخییر و مانند آن نخواهیم رفت بلکه در کنار توجه به آن ضوابط و ملاکات مهم اجتهاد و فقاقت در رفع تعارض و جمع بین اخبار، به این ضوابط نیز توجه خواهد شد که در این صورت، چه بسا حل تعارض و فهم معنای

روایات آسانتر باشد؛ چرا که زمانی امام(ع) به عنوان حاکم اسلامی بنا به اقتضای مصالحی مردم را از پرداخت خمس معاف و در شرایط دیگر، مردم را ملزم به پرداخت آن می کرده اند و یا بنا به اقتضای شرایط زکات را بر بیش از موارد نه گانه ذکری، واجب می کردند و در شرایط دیگر همان موارد نه گانه را نیز عفو می کردند.

اینجاست که امام خمینی - قدس سره - که از جهتی طراح تفکر و مروج اندیشه «تأثیر دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد» هستند، در مواردی به این مهم توجه داده و می فرمایند:

«مسأله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر، همان مسأله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند.»^{۳۷}

و در جای دیگر می فرمایند:

چون جمله قبل از این نیامده جمله خبری می باشد و حال آنکه حضرت امام جمله اعتراضی فرمودند در جواب حجة الاسلام قدیری که لازم است تجدید نظر شود. «و انفال که بر شیعیان تحلیل شده است امروز هم شیعیان می توانند بدون

هیچ مانعی با ماشین های کذایی جنگلها را از بین ببرند. و آنچه را که باعث حفظ سلامت محیط زیست است نابود کنند و جان میلیونها انسان را به خطر بیندازند هیچ کس هم حق نداشته باشد مانع آنها شود.»^{۳۸}

تعارض اخبار تحلیل انفاق و خمس و ... را حضرت امام(ره) با استفاده از همین روش حل می کنند.

شهید صدر برای حل تعارض اخبار احیای موات از همین روش بهره می جوید.^{۳۹}

شهید مطهری نیز به مناسبت طرح بحث انفال ضمن نقل فتوای مشهور فقها مبنی بر اباحه همه انفال برای شیعه، به نقد و ایراد پرداخته و چنین می نویسد:

«اینجا بار دیگر اهمیت مسأله حکومت و ولایت از یک طرف و کوتاهی نظر فقهای شیعه از طرف دیگر، ظاهر می شود. چگونه ممکن است غیبت امام سبب شود این فلسفه بزرگ معطل بماند و اراضی انفال حکم اموال شخصی و منقول را پیدا کند؟»^{۴۰}

آنگاه چنین اظهار می کند:

«این اخبار از رسول اکرم است.

ممکن نیست ناظر به خصوص زمان غیبت باشد. ۴۱

برخی تعارض اخبار مربوط به مواد ذکری و نیز تحلیل انفال و روایات باب احیای موات را با توجه به احکام حکومتی حل کرده اند. ۴۲

نقش مکان در حل تعارض اخبار در مواردی ممکن است روایتی با نظر به عرف شهری و ملتی متضمن حکمی باشد که آن حکم در مکان دیگر موضوعیت نداشته باشد. لذا این بحث در کتابهای اصولی، مانند قوانین و مفاتیح الاصول مطرح است که گاهی امام(ع) در پاسخ پرسش راوی، طبق عادت و عرف رایج در شهر او حکم را بیان می کند و حتی این بحث مطرح است که اگر عرف رایج در بلد امام(ع) با بلد راوی با مسائل متفاوت بود، کدام عرف و کدام بلد ملاک است؟

غرض این است که توجه به این امر نیز ممکن است در فهم روایات و حل تعارض اخبار سودمند باشد. البته طبیعی است که باید واجد شرایط و طبق موازین اجتهاد و فقهت باشد و شاهد جمع داشته باشد تا جمع عرفی محسوب شود نه جمع تبرعی؛

مثلاً در مورد دو روایت: «ثمن العذرة من السحت» و «لاباس ببيع العذرة» که با هم در تعارضند، برای رفع تعارض و جوهی ذکر شده که یکی از آنها که پدر مجلسی اختیار کرده است، این است که خبر جواز بیع حمل شود بر مکانی که عذره دارای منفعت محلله عقلائی است و خبر منع بیع بر جایی حمل شود که در آن، عذره دارای منفعت محلله عقلائی نیست. ۴۳

همچنین مانند روایت ابی بصیر از امام صادق(ع) درباره تعلق زکات به برنج:

«هل فی الارز شیء؟ فقال: نعم. ثم قال: ان المدينة لم تکن یومئذ ارض ارز فیقال فیه. ولکنه قد حصل فیه کیف لاتکون فیه وعامة خراج العراق منه. ۴۴»
و موارد دیگری که در ابواب مختلف فقه مطرح شده است.

در پایان لازم به تذکر است که این مقاله، گزیده رساله مفصلی است که تحت این عنوان نگارش یافته و بنا به تقاضای بعضی از دوستان محترم و فاضل، تلخیص شد.

-وآخر دعوانا الحمد لله رب العالمین-

- پی نوشتها:
۱. ر.ك: تاسيس الشيعه، ص ۳۱۱؛ الشيعه وفنون الاسلام، ص ۵۹؛ آقا بزرگ تهراني، الذريعه، ج ۱، ص ۳۶۱.
 ۲. محقق آشتياني، بحرالفوائد، بحث تعادل و تراجيح، ص ۳.
 ۳. ر.ك: شيخ انصاري، رسائل، ص ۱۰۸؛ فوائد الاصول، ج ۴، ص ۷۷۹؛ بحرالفوائد، ص ۱۴۲؛ مصباح الاصول، ج ۳، ص ۳۵۰.
 ۴. بحرالفوائد في شرح الفوائد، بحث تعادل و تراجيح، ص ۱۴۲.
 ۵. بحوث في علم الاصول، ص ۲۷.
 ۶. امام خميني، رساله تعادل و تراجيح، ص ۵.
 ۷. ر.ك: صحيفه نور، ج ۲۱، ص ۹۸؛ سيرى در سيرة ائمه اطهار، ص ۱۹، ۷۷-۷۸؛ اسلام و مقتضيات زمان، ج ۲، ص ۳۱-۶۳، ۹۱-۹۳؛ اقتصادنا، ص ۳۰۰، ۴۱۴، ۷۲۵-۷۲۷.
 ۸. ر.ك: بدائع الافكار، ص ۴۲۲؛ فصول، ص ۴۲۲-۴۲۷؛ كفاية الاصول، ص ۳۹۱.
 ۹. ر.ك: رسائل، ص ۷۷۶؛ منتهى الاصول، ص ۲۸۴؛ نهاية الدراية، ج ۶، ص ۹.
 ۱۰. قوانين الاصول، ص ۴۱۹.
 ۱۱. فاضل تونى، الوافية في الاصول، ص ۳۲۴.
 ۱۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۹.
 ۱۳. بدائع الافكار، ص ۴۲۲.
 ۱۴. احتجاج، ج ۲، ص ۱۰۸.
 ۱۵. بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۲۴.
 ۱۶. فرائد الاصول، ص ۷۶۳.
 ۱۷. همان، ص ۷۷۷.
 ۱۸. فرائد الاصول، ص ۸۲۳.
 ۱۹. فوائده الاصول، ج ۴، ص ۷۶۵.
 ۲۰. كفاية الاصول، ج ۲، ص ۳۹۳.
 ۲۱. نهاية الدراية، ج ۶، ص ۳۱۱-۳۱۲.
 ۲۲. نهاية الدراية، ج ۶، ص ۳۱۳.
 ۲۳. مصباح الاصول، ج ۳، ص ۴۱۷.
 ۲۴. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۲۰۳.
 ۲۵. شعراني، تعليقه بر شرح اصول كافي، ملاصالح مازندراني، ج ۲، ص ۴۰۶.
 ۲۶. فرائد الاصول، ص ۷۷۶.
 ۲۷. حقائق، ج ۱، ص ۱۱۱.
 ۲۸. وسائل الشيعه، ج ۶، باب ۴، ابواب الانفصال، ص ۳۷۹؛ ج ۱، ص ۳۷۹؛ ج ۴، ص ۹.
 ۲۹. همان.
 ۳۰. وسائل الشيعه، ج ۶، ص ۳۷۵؛ ج ۲، ص ۹.
 ۳۱. همان.
 ۳۲. ذخيرة المعاد، ص ۴۹۲.
 ۳۳. جواهر الكلام، ج ۱۶، ص ۱۲۷.
 ۳۴. جواهر الكلام، ج ۱۶، ص ۱۵۲.
 ۳۵. همان، ص ۱۵۴.
 ۳۶. ر.ك: زبدة المقال، تقريرات درس آيت الله بروجردى، ص ۹۵-۱۰۴؛ محاضرات في فقه الاماميه، ص ۲۵۴-۲۵۸؛ دراسات في ولاية الفقيه، ج ۳، ص ۷۴-۸۲؛ كتاب الخمس، ص ۱۵۸.
 ۳۷. صحيفه نور، ج ۲۱، ص ۹۸.
 ۳۸. همان، ص ۳۴.
 ۳۹. اقتصادنا، ص ۷۷۴.
 ۴۰. نظري به نظام اقتصادى اسلام، ص ۱۵۸.
 ۴۱. همان، ص ۱۵۸.
 ۴۲. دراسات في ولاية الفقيه، ج ۳، ص ۸۲؛ ج ۴، ص ۲۰۸.
 ۴۳. ر.ك: شيخ انصاري، مكاسب محرّمه، ص ۴.
 ۴۴. تهذيب، ج ۴، ص ۶۵؛ الوافي، ج ۱۰، ص ۵۸.